

اتل متل

به مناسبت روز جهانی کتاب کودک

جایزه اندرسن

شهاب ثاقب یا ستاره دنباله‌دار؟



• **لیلا (رویا) مکتبی‌فرد***

● اکنون سه‌ دوره مکرر است که نماینده ایران برای نامزدی جایزه‌بین‌المللی اندرسن، تا فهرست نهایی پیش می‌رود اما در نهایت به‌عنوان برنده انتخاب نمی‌شود. اسمال یا نامزدی هوشنگ مرادی‌کرمانی، شاید امیدها را سال‌های پیش بیشتر بود و برخی دوستان حتی جایزه را در دستان مرادی تصور کردند اما باز هم انگار سهم ما از بودن در فهرست نهایی فراتر نرفت و جالب است هنگامی که خبر اولیه (یعنی حضور مرادی در فهرست نامزدهای نهایی) منتشر شد با استقبال چندی از اهالی ادبیات کودک به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد، اما در نهایت وقتی برنده‌های نهایی یعنی خاتم «هاگوک یوهاشی» از ژاپن و «اراجر ملو» از برزیل به‌عنوان نویسنده و تصویرگر برتر معرفی شدند، هیچکس هیچ عکس‌العملی نشان نداد. حالا دیگر بعد از سه دوره که تا نزدیک خط پایان می‌رویم، انگار به کمتر از مقام اولی راضی نیستیم و باعلامی می‌رود که رسیدن به همین جا هم خودش کار کمی نیست. اینکه نام نماینده ایران در کنار کسانی مانند رناته ولش، یا میریام پرسرل قرار گیرد، به خودی خود موفقیت و دستاورد بزرگی است و در این میان البته آنچه به جز خود نویسنده یا تصویرگر نامزد، اغلب از دید عموم نادیده می‌ماند، اول تلاش و زحمات گروهی است که پرونده آن شخص را تنظیم می‌کنند و دوم دآوری که معمولاً از ایران در جلسه‌های دآوری حضور دارد. گروهی که مسئولیت تنظیم خلاصه، گردآوری آثار و ترجمه‌ها و زندگینامه کاندیدای پیشنهادی از ایران را بر عهده دارند، وقت و انرژی زیادی را صرف انجام این کار می‌کنند و همین قدر که نمی‌گذارند هیچ سالی جایزه بین‌المللی اندرسن بدون حضور نامزدی از ایران برگزار شود، در‌خور تحسین و ستایش هستند. تمامی این افراد، همچنین داور ایرانی هر دوره، این کار را به‌صورت داوطلبانه و بدون دریافت هیچ حق‌الزحمه‌ای انجام می‌دهند. در دو دوره اخیر «سحر ترهنده» به‌عنوان نماینده ایران در هیأت داوران تلاش زیادی برای معرفی نامزد پیشنهادی ایران و متقاعدکردن سایر اعضای ژوری برای رساندن این نامزد تا فهرست نهایی انجام داده است. دوستانی که به هر نحوی حتی یکبار در زندگی‌شان درگیر امر دآوری بوده‌اند، می‌دانند که چقدر متفاوت‌کردن و همراه و هم‌نظرکردن دیگر اعضای هیأت داوران دشوار است، به‌ویژه زمانی که با جمعی با زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت مواجه باشید. اما حالا برگردیم به آغاز سخن، به اینکه چرا کوکب بخت ادبیات کودک ایران تنها یک هفته در آسمان می‌درخشد و بعد بی‌صدا خاموش می‌شود؟ آیا زمان آن نرسیده که از این کهنکشان ستارای هم نصیب ما شود؟ به راستی ایراد کار در کجاست؟ اکثریت نویسندگان و تصویرگرائی که تاکنون برنده اندرسن یا نوبل کوچک شده‌اند، در نوع خود افراد برجسته و در‌خور توجهی بوده‌اند، اما ما هم نویسنده و تصویرگر برجسته کم نداریم. چه کنیم که این شایستگی‌ها به چشم جهانیان هم بیاید؟ به نظر من اولین و اساسی‌ترین راه‌حل را باید در صنعت نشر کشور جست‌وجو کرد. ناشران تا کجا حاضرند از نویسندگانی که آثارشان را منتشر کرده‌اند، حمایت کنند؟ ظاهراً اسمال ناشر آثار مرادی‌کرمانی تمامی هزینه‌های مربوط به ثبت آثار او برای فرآیند دآوری را تقبل کرده است. آ یا می‌شود امیدوار بود که سایر ناشران نیز برای کاندیداهای احتمالی چنین خدماتی را قبول ش‌شوند؟ گو اینکه از نگاه من نقش و همکاری ناشران در این خصوص می‌تواند بسیار فراتر از این هم باشد. این نکته را می‌توان این‌گونه بسط و توضیح داد: یکی از بزرگ‌ترین دلایل دیدنشدن آثار ادبی ایران در حوزه کودک و نوجوان (به‌طور مشخص رمان و ادبیات داستانی) در سطح جهانی، مساله زبان است. رمان مانند اثر تصویری نیست که زبانش را با خود منتقل کند. برای درک یک رمان لازم است که با آن زبان آشنا باشیم و البته که تقریباً هیچ‌یک از اعضای ژوری به‌جز نماینده ایران، تسلطی به زبان فارسی ندارند. فرصتی که کمبته ویژه تهیه پرونده آثار نویسنده پیشنهادی برای جایزه و داوران برای بررسی آثار نویسندگان چنین پیشنهادی دارند، محدود است و البته امکان ترجمه تمامی این آثار به زبان انگلیسی (که به نظر می‌رسد زبان مشترک هیأت داوران اندرسن باشد) در آن دوره زمانی اندک وجود ندارد و گاهی اوقات داوران ناگزیرند تنها بر اساس خلاصه‌ای که برای یک اثر تهیه شده است، در مورد آن قضاوت کنند. اینجاست که اهمیت ترجمه به زبان‌های پرمخاطب‌تر به‌شدت خودنمایی می‌کند و از دیگر سو خلا ترجمه‌هایی خوب و روان از آثار نویسندگان ایرانی، به‌ویژه رمان‌های نوجوانان احساس می‌شود. ناشر به‌عنوان شخص حقوقی که در کنار نویسنده مالکیت اثر را به عهده دارد، در آغاز فرآیند ترجمه یک اثر به سایر زبان‌های می‌تواند بسیار راهگشا و تاثیرگذار باشد. در چند سال اخیر در ایران به قدر کافی رمان نوجوانان خوب و ماندگار داشته‌ایم، که ارزش راهاندازی یک نهضت ترجمه از فارسی به زبان‌هایی مانند انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی و فرانسه را داشته باشد. در این میان به ناشران کارگزارانی نیاز داریم که با برقراری ارتباط با ناشران فرنگی این راه را هموار و شرایط ترجمه این آثار را فراهم سازند. این حرکت البته در شکل ایده‌آل خود فرآیندی هدفمنداست که ممکن است به‌بار نشستن سال‌ها به طول بینجامد، اما بی‌شک فرجامی خوش را برای ادبیات کودک و نوجوان ایران زمین رقم خواهد زد.

• **عضو هیات‌علمی دانشگاه و پژوهشگر ادبیات کودک**

هنر

وداع غمگین نوروز با باستانی‌پاریزی و «فرای»

مرگ از «پاریز» تا «بوستون»

فرزانه ابراهیم‌زاده

بهشت‌زهر(اس) به خاک سپرده شد. هشت فروردین بود که خبر درگذشت هنرمند دیگری منتشر شد. حمید مهرآرا هنرمند سینما، تلویزیون و تئاتر چند سالی بود با بیماری دست و پنجه نرم می‌کرده بیماری که دو پای مهرآرا را در سال ۹۲ از او گرفته بود و سرانجام من او را به کام مرگ کشید.

انتشار خبر درگذشت او همه را

به یاد نقش همراه امیرکبیر

در مجموعه امیرکبیر

انداخت. مهرآرا که همیشه

در نقش‌های

دوم و سوم

بازی می‌کرد

در شماری

از فیلم‌ها و

مجموعه‌های

توی یو بی

چون «تاراج»،

«امیرکبیر»،

«پهلوانان

دزدان»، نام دارد که شرح

نامه‌های طنزگونه شیخ محمدحسن

زیدآبادی است و برای اولین بار در سال

۱۳۲۴ در کرمان

چاپ شده است. او بیش از ۶۰

عنوان کتاب تالیف یا ترجمه

کرده است. پیکر این استاد تاریخ ایران

روز هفتم فروردین از

مقابل دانشگاه ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تهران که بیش

از نیم قرن در آن تدریس می‌کرد

تشییع و در قطعه ۲۵۰

هنرمندان ایرانی ۵/۲میلیون دلار در «کریستیز» فروختند

درخشش ایرانیان در «جمیرا» و «تایمز»

پرویز براتی



ثانیها، نوروز را تداعی می‌کند. اینجا «دوبی» است؛ ۲۰ و ۵۷ قیقه و هفت ثانیه روز ۲۹اسفند ۹۲. دل‌های ایرانی برای ایران می‌تبد؛ برای لحظه سال تحویل، شنیدن نای «کرنا» و «سرنا» در دستگاه «چهارگاه» و شلیک گلوله توب: «آغاز سال یک‌هزار و سیصد و نود و سه خورشیدی» سال. به نام «اقتصاد و فرهنگ» نام‌گذاری شده و آنطور که مسوولان فرهنگی تاکید می‌کنند، گسترش «دیپلماسی فرهنگی» از برنامه‌های مهم این سال است. هنرمندان ایرانی، پیام این نوع دیپلماسی را به‌خوبی منتقل کرده‌اند. در چهارگوشه دنیا، اثر و نشانی از هنر ایران به چشم می‌خورد؛ در دوی هنرمندان ایران حضوری پرپار در «جراج کریستیز» و هفته هنر نی دوی دارند و در نیویورک، تابلوها و عکس‌های هنرمندان ایران بر دیوارهای اسپوی این شهر چشم‌ها را به خود دوخته اینجا میدان تایمز نیویورک است؛ تقاطع خیابان برادوی و خیابان هفتم، مرکز تجاری و توریستی پایتخت هنر دنیا، ثانیه‌ها در ظهر نیویورک، رسیدن نوروز ایرانی را خبر می‌دهد. در گوشه‌کنار شهر، احتمالاً سفره هفت‌سینی از آن یک ایرانی یا شاید هم غیرایرانی پهن شده است. نوروز ۹۳ فرا رسیده و حالا فصل درخشش هنر ایران است؛ از ساحل جمیرا در امارات گرفته تاحوالی میدان تایمز در نیویورک.

کریستیز و «هفته هنر دوی»

جراج کریستیز دوی به دلیل بهرمندی از حضور پرشمار مجموعه‌داران بین‌المللی آرت‌دوی، یک‌ماه پیش از موعد همیشگی‌اش، شب عید نوروز، شانگاه ۲۸ اسفند در برج‌های دولوی اسارات در مجاورت خیابان شیخ‌اند برگزار شد. این جراج که شانزدهمین دوره خود را پشت سر می‌گذاشت یکی از شلوغ‌ترین شب‌های خود را سپری کرده؛ با رایزه ۱۵۰ اثر عرب، ترک ایرانی در مارتنی چهار ساعتونیمه. در این شب که مجید ملامرودی، مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ‌وراثت‌اسلامی نیز حضور داشت از ۲۱هنرمند ایرانی ۳۰ اثر در این جراج در معرض فروش قرارگرفت که ۲۶ اثر در مجموع به قیمت دومیلیون۱۴۰هزاردلار بفروش رسید. گران‌ترین اثر ایرانی به علی بنی‌صدر نقاش ۳۰ساله مقیم نیویورک تعلق داشت که ۳۴۰هزاردلار چکش خورد. اثری از مجموعه خط‌های فرهاد مشیری ۲۰۸هزاردلار و نقاشیخط آبی‌رنگ سیمه‌محمد احمایی ۱۷۲هزاردلار از این حیث در جای دوم و سوم ایستادند. در این جراج نقاشیخط سبز رنگ احمایی ۱۶۰هزاردلار، نقاشی دیگری از مشیری۱۴۸ هزار دلار، نقاشی انتزاعی سهراب سپهری ۱۳۶هزاردلار، اثر حسین زنده‌رودی ۱۲۶هزاردلار، نقاشیخط موج نصرالله افجه‌ای ۱۳۶هزاردلار، مجسمه شاعر ایستاده پرویز تناولی ۱۱۲هزاردلار، نقاشی زیبای از فریده لاشایی ۱۰۶هزاردلار، اثر دیگری از زنده‌رودی سه‌دهزاردلار، تابلوی الله چهار قطعه‌ای احمایی ۸۸هزاردلار، رضا درخشانی ۸۸هزاردلار، حسین گفتریز ۶۳هزاردلار، حارّی‌زاده۶۳هزاردلار، کوروش شیشه‌گران ۵۳هزاردلار، رضا مافی ۴۴هزاردلار، منوچهر یکتایی ۳۸هزاردلار، جعفر روجبخش ۲۸هزاردلار، عکسی از مجموعه درختان عباس کیارستمی ۳۸هزاردلار، مسعود عرشایی ۲۵هزاردلار، مجسمه هیچ و صندلی برنزی پرویز تناولی ۲۸هزاردلار، اثر دیگری از عرشاهی



سفر ارکستر آمریکایی به ایران به تعویق افتاد. دوماونیم بعد از انتشار خبر اجرای ارکستر سمفونیک «پیتسبورگ» در تهران، مسوولان این ارکستر از تعویق سفر تلبستان اسمال به ایران خبر دادند. هرچند انتشار این خبر به مفهوم لغو اجرای تهران نیست؛ با این حال ذهن ناظران را متوجه این سوال کرده که آیا ایده «دیپلماسی ارکستری» در نطفه خفه شده و قرار نیست ارکستر سمفونیک آمریکایی پس از «شمال، بار دیگر در ایران روی صحنه رود؟

ششم فروردین ۱۳۹۳، در روزهایی که ایرانیان تعطیلات نوروزی را سپری می‌کردند ارکستر سمفونیک پیتسبورگ با ارسال ایمیلی فوری به رسانه‌های دنیا از جمله روزنامه «شرق» از تغییر در برنامه سفر این گروه به ایران خبر داد.

این گروه که پیش‌تر اعلام کرده بود قرار است آگوست

سال جاری (مرداد یا شهریور ۹۳)، در ایران روی صحنه

رود، از تعویق برنامه خود و موکول شدن آن به آینده خبر

داد. این گروه موسیقی که ۵۰هسال پیش (سال ۱۹۶۴) در

ایران اجرای زنده داشت، قرار بود پس از نیم‌قرن خاطره

آن اجرا را زنده کند؛ اما در خبر جدید و فوری این گروه به

تغییر زمانی این برنامه اشاره و در عین حال تاکید شده

که سازماندهی این برنامه به‌گونه‌ای خواهد بود که این

پروژه در فصل ۱۵-۲۰۴ - در بازه زمانی سپتامبر ۲۰۱۴

(شهریور ۹۳) تا آگوست ۲۰۱۵ (مرداد ۹۴)- برگزار شود.

زمان می‌خواهیم

جیمز ویلکینسون، مسوول ارکستر سمفونیک پیتسبورگ در خصوص دلایل تعویق اجرای ارکستر در تهران گفت: «برنامه‌ریزی برای تورهای بین‌المللی این ارکستر سمفونیک معمولاً دوسال زودتر انجام می‌شود. با توجه به عده قطعیت ناشی از برخی عوامل اثرگذار بر این برنامه‌ریزی از جمله چارتر هواپیما و تأمین بودجه، تصمیم گرفتیم زمان بیشتری را برای فاز برنامه‌ریزی این پروژه در نظر بگیریم. بر گزارری هرگونه تور بین‌المللی این ارکستر سمفونیک ابتدا باید مورد تأیید موسیقیدان‌ها و هیأت امنای این گروه قرار گیرد و بدون شفافیت کامل درخواست عوامل یادشده، امکان حضور این ارکسترسمفونیک در زمان ازپیش‌اعلام‌شده وجود ندارد.»
سیمین یزدگردی‌کرنش، مسوول و مدیرعامل موسسه خاورمیانه‌ای آمریکا که نقض موثری در شکل‌گیری حضور این ارکستر در تهران داشته، گفت: «مایلندی جدیدی را برای این سفر درنظر خواهیم گرفت و تلاش می‌کنیم این زمانبندی هرچه زودتر باشد. البته پیشرفت‌های خوبی در این زمینه داشته‌ایم و این روند را تا اجرای این ارکستر بی خواهیم گرفت»

اجرا، در جدول برنامه‌هایمان نیست

به‌دلیل انتشار خبر تعویق این اجرا، «شرق» به پیگیری مستقیم خبر از طریق مسوولان «ارکستر سمفونیک پیتسبورگ» در پنیسلوانیا پرداخت. «سوی کانونو سیانماشو» از دست‌اندرکاران ارکستر در این‌باره به «شرق» گفت: «همان‌طور که در جدول زمانی برنامه‌هایمان هم درج شده، هنوز تاریخ مشخصی برای این اجرا در ایران در نظر گرفته نشده است. بنابراین، جزئیات این برنامه و رپرتوار کنسرت هنوز تا این لحظه مشخص نشده. در هر حال خوشحال خواهیم شد در صورت امکان، این پروژه پیشنهادی عملی شود.» او همچنین از پاسخ به این سوال که آیا تعویق برنامه این ارکستر به‌خاطر فشارهای سیاسی بوده یا نه، خودداری و پاسخ به حواشی را به «زمان مناسب» موکول کرد.

چهره روز

«مارکز» بستری شد

«گابو» در بیمارستان



● **شرق:** گابریل گارسیا مارکز (گابو) که این روزها مانند خوزه آرکادیو در صدمسال تنهایی خود، گرفتار فراموشی شده، به دلیل بیماری عفونی در بیمارستانی در مرکزیکوستیتی بستری شد. او از روز ۳۱مارس در این بیمارستان بستری است. به گزارش بی‌بی‌سی، تیم پزشکی بیمارستانی که گابو در آن بستری است علت بستری‌شدن این نویسنده ۸۷ساله برنده جایزه نوبل ادبی را مشکلات کلیوی و ریوی اعلام کرده‌اند. موسسه ملی سالاودور زوبیران که خبر بستری‌شدن مارکز را اعلام کرده، علت پذیرش او را عفونت و کم‌آبی بدن عنوان کرده است. وزیر بهداشت کلمبیا نیز به رسانه‌ها گفته که مارکز به معالجات پاسخ داده و او به محض بهبودی، مرخص خواهد شد. این نویسنده سرشناس آمریکای لاتین پیش از این هم در چند سال گذشته به دلیل بیماری آلزایمر خفیفی که داشت در ویلای خود در نزدیکی مرکزیکوسیتی ساکن بود و کمتر در انظار عمومی ظاهر می‌شد. قرار بود این نویسنده کلمبیایی برای مراسم جایزه یوسابه پروبرده، اما به نظر می‌رسد این بیماری مانع مسافرت طولانی او شده باشد. چند سال پیش برادر گابریل گارسیا مارکز علناً اعلام کرد که این نویسنده برجسته از بیماری فراموشی رنج می‌برد و دیگر نمی‌نویسد؛ خبری که هرچند با تکذیب اعضای بنیاد مارکز روبه‌رو شد اما نوشتن او در چند سال گذشته تأییدی بر این مطلب است که خلق صد سال تنهایی قلم خود را بر زمین گذاشته است و دیگر نمی‌تواند بنویسد.

رویداد

علی نصیریان و رضا کئیانیان به نمایندگی سازمان ملل در تهران تحویل دادند بیانیه یک و نیم میلیون امضایی برای آزادی مرزبانان

● **شرق:** بیانیه یک‌ونیم‌میلیون‌امضایی «سربازان ما را آزاد کنید» توسط رضا کئیانیان و علی نصیریان به نمایندگی سازمان ملل در تهران تحویل داده شد. این بیانیه که در ادامه حمایت‌های مردمی برای آزادی مرزبانان ایرانی و جمع‌آوری بیش از یک‌ونیم‌میلیون امضا در این مورد بود با همراهی محمدرضا تقی‌زاده، رییس موزه صلح و این هنرمندان رسماً در محل دفتر این سازمان در تهران به گری لوپیس، هماهنگ‌کننده مقیم سازمان‌ملل متحد تحویل داده شد. در ابتدای این مراسم علی نصیریان، هنرمند پیشکسوت سینما، با اعلام نگرانی خود درباره وضعیت سربازان ایرانی گفت: آرزوی قلبی ما این است که این وضعیت خاتمه یابد و سربازان ما آزاد شوند. هرروز ما شاهد کشته‌شدن مردم بی‌گناه در عملیات تروریستی در افغانستان، پاکستان، عراق و همچنین سایر نقاط جهان هستیم و امیدواریم این وضعیت هرگز به ایران سرایت نکند و دعای همه ملت ایران آن است که نتایج در ایران بلکه در همه جهان شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم. به‌این سبب معتقدم سازمان‌ملل می‌تواند با انجام وظیفه صحیح، حامی بزرگی برای حل این مساله بوده و نقش مهمی نیز ایفا کند. رضا کئیانیان، بازیگر سینما نیز با ابراز نگرانی از وضعیت مرزبانان ایرانی گفت: اینجانب و مسردم ایران همچنان برای آزادی این سربازان بی‌گناه ایرانی لحظه‌شمار منتظر هستیم، جمع‌آوری این‌همه امضا، نشان‌دهنده انتظار بجای خلواده این عزیزان و مردم ایران است و همگی منتظر اقدامات جدی و عملی هستیم.

گری لوپیس، هماهنگ‌کننده مقیم سازمان‌ملل متحد نیز گفت: بیش از یک‌میلیون و ۵۰۰هزار ایرانی در چنین مناسبت مهمی به اتفاق ندای خود را به‌وسیله رایانه‌ها و پیامک‌ها یکی کرده و اینجانب مفتخرم شاهد این همبستگی زبیا باشم که توسط مردم ایران در حمایت از مرزبانان کشته‌شده، به نمایش گذاشته شده است. در این برهه از زمان و در حالی‌که این عریضه مهم را دریافت می‌کنم اجازه دهید آنچه دبیرکل سازمان‌ملل متحد، آقای بان‌کی‌مون در این مورد گفته ا، تکرار کنم. دبیرکل سازمان‌ملل متحد در آغاز سال جاری بیانیه‌ای برای ابراز همبستگی خود با دولت و مردم ایران که با این اقدام شنیع روبه‌رو هستند صادر کرده؛ اقدامی که با جشن‌های نوروز برای گرامی‌داشت صلح و آغاز سال نو مصادف شده است.

وی در ادامه افزود: ایشان کشته‌شدن مرزبان ایرانی را محکوم کرد. اینجانب نیز از سوی ملل متحد همدردی خود را با دولت و مردم ایران به‌دلیل آنچه رخ داده و مراتب تسلیت خود را به خانواده این مرزبان (قربانی) ابراز می‌کنم همچنین اظهار می‌دارم که فکر و دعای ما همراه سایر مرزبانان در اسارت است. اینجانب قول می‌دهم این عریضه الکترونیکی را هرچه‌سریع‌تر به مقر سازمان‌ملل متحد در نیویورک تحویل دهم و همانند همه ایرانی‌ها سازمان ملل متحد نیز امیدوار به تحقق نتیجه موفق و صلح‌آمیز در فرآیند آزادی مرزبانان است. ۱۷بهمن‌ماه ۱۳۹۲ پنج مرزبان ایرانی به‌وسیله گروه تروریستی جیش‌العدل در مرز جنوب‌شرقی ایران ربوده شدند، ایران و پاکستان مرز مشترکی به طول ۷۰۰کیلومتر در استان سیستان‌بلوچستان دارند. در فروردین‌ماه جاری این گروه شهادت مظلومانه یکی از این پنج مرزبان ایرانی را اعلام کرد.